

شهيد محمد مزارعي



ازبائير علی
سمايه جامع سرداران و دوازدهم استان بوشهر

نام پدر	حسین
تاریخ تولد	۱۳۴۱/۰۳/۰۴
محل تولد	بوشهر - دشتی
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۴/۰۴
محل شهادت	جزیره مجنون
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	بی سواد
مدفن	میانخره

زندگینامه

زندگینامه شهید

خاطرات

خاطره

یکی از بهترین خاطرات اینجانب ، آزاده محمد بحرانی این بود که : در سال ۱۳۶۷ اواخر جنگ تحمیلی شهید محمد مزارعی را در نزدیکی های غروب همراه با چند از رزمندگان در کنار سنگر تبلیغات دیدم گفتم : برای چه آمده اید ؟ گفت : از خط مقدم آمده ایم وسایل بگیریم . گفتم : شما تا کی اینجا هستید ؟ گفت : تا زمانی که خدا بخواهد و با کمی شوخی به طرف خط مقدم حرکت کرد .

چند روز بعد با هم به جزیره مجنون رفتیم . شهید مزارعی جز ۱ گردان ابو الفضل (ع) بود و من هم مامور به گردان بودم . روز و شب کنار هم بودیم و تعریف می کرد . می گفت : به نظر شما اینجا خوش تر است یا روستایمان ؟ من می گفتم : شما چطور ؟ او می گفت : اینجا (یعنی جزیره مجنون) . خلاصه شب سر پست نگهبانی واقع در خط مقدم که حدود ۲۰ متری عراقیها بود ، می رفت و صبح که بر می گشت برای ما تعریف می کرد که دیشب چند تا از عراقی ها نزدیک ما بودند . ما به سوی آنها تیر اندازی می کردیم . مفری که اینجا به عنوان سنگر استراحت بود با خط مقدم ۴۰۰ متر فاصله داشت . داخل سنگر که می رسید با لحن خوش خنده می گفت : بچه ها اگر ماموریت هم تمام شد دوباره آن را تمدید می کنم .

یک شب که استراحت داشت و سنگر ما خیلی کوچک بود همه تند رفتیم داخل سنگر جا گرفتیم . جای شهید مزارعی نشد شب که خوابید نصف بدنش بیرون سنگر بود . من گفتم : آقای مزارعی احتیاط کن که سگهای عراقیها شما را نخورند . او گفت : من ترسی از سگهای عراقی ندارم . خلاصه هر چه از او بگویم که چقدر روحیه داشت کم گفته ام .

در پایان برای آن شهید بزرگوار طلب آمرزش و مغفرت را خواهان و خواستارم .

آزاده محمد بحرانی هم رزم شهید محمد مزارعی ۶/۶/۱۳۸۳



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران